

دو فصلنامه عقل و دین، مؤسسه دین پژوهی علوی،
سال یازدهم، شماره بیست و یکم (پائیز و زمستان ۹۸)

قواعد کلی حاکم بر حالات معنوی صادق در قرآن و سنت

روح اله رستگار صفت^۱ قاسم فائز^۲

چکیده

حالات معنوی، حالات درونی انسان‌ها هستند که به نحوی به امور معنوی مرتبط اند و به شکل شناخت، عاطفه یا رفتار نمود می‌یابند. معنویت در دوره کنونی، مقید به دین دانسته نمی‌شود و اشکال بدعت‌آمیزی از آن هم عرضه شده است، لذا بسیاری از این حالات، شبه معنوی (غیرصادق) هستند و در صورت شناخته ماندن، برای فرد و جامعه مشکلاتی را به وجود می‌آورند؛ بنابراین، در اینجا با روش توصیفی - تحلیلی - انتقادی و به کمک متون قرآن و حدیث به معرفی قواعد کلی حالات معنوی صادق و معیارهای تشخیص آنها پرداخته شده است و نتایج زیر به دست آمد: (۱) حالات معنوی صادق، یقیناً الهی اند. (۲) در چارچوب دین (شریعت) هستند؛ (۳) در چارچوب حالات معنوی معصومان علیهم السلام می‌باشند؛ (۴) حالات معنوی صادق قابل ایجاد، تقویت و سرکوبند؛ (۵) دارای مراتب اند؛ (۶) برخی، دارای نمودهای بیرونی می‌باشند؛ (۷) کشف صحت حالات معنوی نیاز به نشانه‌جویی دارد.

کلیدواژه‌ها: معنویت، حالات معنوی، قواعد، نشانه‌های تشخیصی

۱ - دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

rastgarsefat@gmail.com

ghfaez@ut.ac.ir

۲ - استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران

۱- مقدمه

حالات معنوی، حالات درونی انسان‌ها هستند که به نحوی به امور معنوی مرتبط هستند و به شکل شناخت، عاطفه یا رفتار نمود می‌یابند. این حالات در زندگی هر فرد خصوصاً دین‌داران شایع است و در طیفی مابین قوی و ضعیف و به شکل‌های عادی و والا بروز دارد؛ اما برای تشخیص صادق بودن حالات معنوی و تمییز آن از حالات معنوی نادرست بر مبنای آموزه‌های قرآن و حدیث نیاز به معیار هست. خصوصاً آنکه طرح مباحث معنویت منهای دین در دوره کنونی و نیز آسیب‌هایی که بر معنویت محتمل است ایجاب می‌کند به ارائه ضوابط و ملاکات حالات معنوی صحیح مبادرت شود. در اینجا تلاش شده است که قواعد کلی و معیارهای حالات معنوی صادق از قرآن و سنت استخراج شود. پیشینه این مقاله در کتب عرفانی و فلسفه دین و فلسفه عرفان وجود دارد، اما تا کنون اثر مستقلی که تنها با تکیه بر قرآن و حدیث به دنبال استخراج این قواعد و ملاک‌ها باشد، نوشته نشده است.

۲- مفهوم حالات معنوی

حالت به معنای صفت و نحوه‌ای از بودن، اعم از خیر و شر است که شخص در آن به سر می‌برد (ابن سیده، ۱۴۲۱: ج ۴، ۸ و ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۱، ۱۹۰) که زائل شدنی و موقتی و وابسته به زمان کنونی است (التهانوی، ۱۹۹۶: ج ۱، ۶۱۰؛ راغب، ۱۴۱۲: ۲۶۷). معنویت در عربی مصدر جعلی از ریشه (ع ن و) است و "معنوی" منسوب به "مَعْنَى" است و آن را معادل "باطنی" و "حقیقی" دانسته‌اند (معین، ۱۳۸۶: ج ۲، ۱۷۷۶)؛ اما آن را جزو لغات جدید الورد محسوب نموده‌اند که در معنای "در مقابل امور مادی" به کار می‌رود (مصطفی، ۱۴۲۷: ۶۳۳).

معنویت در معنای انگلیسی خود^۱، برای مقایسه میان زندگی مسیحی با زندگی "دنیوی" یعنی سبک زندگی ماده گرایانه استفاده می‌شود (نلسون، ۱۳۹۵: ۲۴) که با مفاهیمی مثل الهام و روح مرتبط است و به نیرویی که ابعاد مرئی و نامرئی را اتحاد می‌بخشد، اطلاق می‌شود (فونتانا، ۱۳۸۵: ۳۶). معنویت، به ویژه در دو سده اخیر، در معانی مختلفی استفاده شده است (شاکرنژاد، ۱۳۹۶) و ارائه یک تعریف واحد از آن مشکل و مفهوم آن را مبهم دانسته اند (نلسون، ۱۳۹۵: ۲۶ و ۳۵). تقسیم بندی‌های مختلفی برای معنویت ارائه شده است؛ مثلاً برخی آن را به سنتی و جدید (رک صاحب‌دل، ۱۳۹۷، ص ۹۶) و برخی به مَوْسَع و مُضَيَّق تقسیم بندی کرده‌اند (رک نلسون، ۱۳۹۵: ۴۱۸) که لزوماً خدامحور هم نیستند. به عنوان نمونه به این دو تعریف توجه کنید:

یک) پاسخ انسانی به دعوت بزرگ منشانه خداوند به داشتن رابطه با خودش یا پاسخ ما به یک آرزوی عمیق و اسرارآمیز انسانی برای برای تعالی و تسلیم، آرزویی برای یافتن جایگاه خود.

دو) جستجوی فردی یا گروهی برای امر مقدس (سعیدی، ۱۳۹۹: ۱۳۹).

منظور نگارنده از حالات معنوی، آن حالات درونی انسان‌هاست که به نحوی به امور غیر جسمانی و غیر دنیایی مرتبط است و در شنات، عاطفه (نمود احساسی) یا رفتار (نمود عملی) ظاهر می‌شود. به دیگر سخن، حالات معنوی پدیده‌ای است که در قلب یا نفس به وجود می‌آید و واسطه بین انتخاب‌ها و تصمیم‌های اصیل و رفتار است. این حالات، شامل طیف وسیعی از احساسات و بینش‌ها و دریافت‌ها و تمایلات با شدت‌ها و طیف‌های مختلف است که در اصطلاحات عرفانی، بر انواعی از احوال، مقامات، واردات، خواطر، کشف‌ها و مشاهدات^۳ و در مباحث فلسفه دین بر "تجربه

دینی^۴ تطبیق می‌شود. نمونه‌های حالات معنوی عبارتند از احساس طهارت درونی بعد از توبه یا بعد از وضو و احساس احتیاج شدید به خدا و تمایل برای خاکساری نسبت به اولیای خدا و شادکامی از شناخت خدا تا مشاهدات و مکاشفات عرفانی. البته این حالات بین حالات درست و نادرست (صادق و کاذب) مشترکند و از قواعدی پیروی می‌کنند و معیارهایی برای صادق بودن آنها وجود دارند که در این مقاله به آن پرداخته شده است.

۳- قواعد حاکم بر معنویت در قرآن و حدیث

قرآن کریم کتاب هدایت انسان است: "وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ" (نحل / ۸۹) از سوی دیگر، پیامبر اکرم به عنوان مبین قرآن معرفی شده است: "وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ" (نحل / ۴۴) و نیز افراد ویژه ای از خاندان ایشان، با عنوان اهل بیت، راهنمای مردم در هر اختلاف راجع به قرآن هستند زیرا طهارت کامل ایشان مورد تأکید قرآن است: "إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا" (احزاب / ۳۳)؛ پس هرگونه کج فهمی علمی و عملی در خصوص آیات قرآن از ایشان محال است. همچنین، پیامبر در حدیث معروف ثقلین، قرآن و اهل بیت را از یکدیگر جدانشدنی می‌داند: "أَنْهَمَا لَنْ يَفْتَرِقَا" (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۴۱۵)؛ بنابراین، سنت پیامبر و اهل بیت مفسر قرآن است. با این توجه، روشن می‌شود که هرچه بشر به آن محتاج است در کتاب و سنت یافت می‌شود (نک به کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۵۹-۶۲)؛ از این رو، طرز فکر صحیح درباره حالات معنوی معیارهای صادق بودن آن حالات، در کتاب و سنت آمده است. در قرآن از حالات معنوی مختلف و دارندگان آنها مثل مؤمنین،

مخلصین، صالحین، قانتین و انبیاء ستایش کرده است که هر کدام منبع خوبی برای شناسایی معیارهای صادق بودن حالات معنوی هستند. قرآن حالات معنوی را به سبک در هم تنیده با امور دنیوی و اخروی و عقاید و اخلاق و عبرت و تذکر، مطرح کرده است. به عنوان مثال، در سوره انسان به همراهی نعمت "شراباً طهوراً" که از آن معانی بالای معرفتی استخراج می‌شود در کنار دستبندهای نقره‌ای و نوشیدن شراب، یا مرتبط دانستن مفاهیم "پیش فرستادن برای خود" و "توجه به ملاقات خدا"، رابطه زناشویی و فرزند خواهی را نیز به امور معنوی مرتبط دانسته است "نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَ قَدِّمُوا لِنَفْسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ" (بقره / ۲۲۳) که نشانگر آن است که این امور می‌تواند با آخرت طلبی همراه و همراستا باشد؛ آیات قرآن که به حالت معنوی اشاره می‌کند فراوان است. نمونه ای از آن‌ها، آیه "سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ" (فصلت / ۵۳) است که بیانگر شهود خدا در قالب آیت‌های بیرونی و درونی افراد می‌باشد. در اینجا با توجه به متون قرآن و حدیث، به برخی قواعد و نیز نشانه‌های کلی حاکم بر حالات معنوی پرداخته می‌شود:

۱-۳- حالات معنوی صادق یقینی اند

در قرآن، روشن ضمیری از ثمرات تقوا (مراقبت از خود) برشمرده شده است: "وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يَعْلَمُكُمُ اللَّهُ" (بقره / ۲۸۲) و "إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا" (انفال / ۲۹) که در واقع از شؤون هدایت الهی بر قلب مؤمنان است؛ تا آنجا که حتی حکمت رویدادهای ناگورا هم به قلب مؤمنان الهام می‌شود: "مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ مَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ" (تغابن / ۱۱). الهام قلبی جایگاه

مهمی را در دریافت‌های معنوی دارد تا آنجا که در تعالیم اهل بیت آمده که برای فهمیدن وظایف الهی خود از خدا تقاضای الهام کنیم مانند: " اَلْهَمْنِي التَّقْوَى " (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶: ۹۸ و طوسی، ۱۴۱۱: ج ۱، ۳۵۳). اهل بیت علیهم السلام به شکل‌های مختلف، مؤمنان را به استفاده از دریافت‌های قلبی سوق داده اند. مثلاً پیامبر به یکی از اصحاب خود که جویای راه تشخیص خوبی از بدی بود، گفتند: "از قلبت بپرس، هرچند دیگران چنان و چنان به تو فتوا دهند" (حمیری، ۱۴۱۳: ۳۲۲)؛ اما حالت صادق معنوی باید خالی از ابهام باشد به گونه‌ای که خود فرد بتواند صادق بودن آن را بفهمد؛ لذا اگر فردی با هیچ محکی نتواند از آن اطمینان یابد، نباید حمل بر الهی بودن آن کند؛ زیرا خدا از اینکه در قلب مؤمن حق از باطل شناخته نشود، ابا می‌کند: " اَبِي اللّٰهُ اَنْ يُعْرِفَ بَاطِلًا حَقًّا اَبِي اللّٰهُ اَنْ يَجْعَلَ الْحَقَّ فِي قَلْبِ الْمُؤْمِنِ بَاطِلًا لَّا شَكَّ فِيهِ وَ اَبِي اللّٰهُ اَنْ يَجْعَلَ الْبَاطِلَ فِي قَلْبِ الْكَافِرِ الْمُخَالِفِ حَقًّا لَّا شَكَّ فِيهِ وَ لَوْ لَمْ يَجْعَلْ هَذَا هَكَذَا مَا عَرَفَ حَقٌّ مِنْ بَاطِلٍ " (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۲۷۷). از این رو، قلب عارف باید به صدق معنویت وی گواهی دهد. همچنین، قرآن فرموده که هر کس بر حالات خودش بسیار داناست: " بَلِ الْاِنْسَانُ عَلٰى نَفْسِهٖ بَصِيْرَةٌ " (قیامت/ ۱۴)؛ لذا هر کس در تشخیص میل قلبی‌اش به سخن خدا یا شیطان از دیگران آگاه‌تر دانسته می‌شود (تهرانی، ۱۳۹۲: ۱۴۰) نمونه آن درودهایی است که خدا و ملائک به مؤمنان می‌فرستند: " هُوَ الَّذِي يُصَلِّيْ عَلَیْكُمْ وَ مَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِّنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ وَ كَانَ بِالْمُؤْمِنِيْنَ رَحِيْمًا " (احزاب/ ۴۳)؛ از این رو، خطوراتی که به قلب افراد راه پیدا می‌کند را نباید کم‌اهمیت تلقی نمود.

البته، بخشی از خطورات قلبی، الهی نیستند و از ناحیه شیطان صادر شده اند: " مَا مِنْ قَلْبٍ اِلَّا وَ لَهُ اُذُنَانِ عَلٰى اِحْدَاهُمَا مَلَكٌ مُّرْسِدٌ وَ عَلٰى الْاُخْرٰى شَيْطَانٌ "

(کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۲۶۶ و ۳۳۰). خواب‌ها نیز همین طور هستند یعنی یا بشارت رحمانی هستند یا هشدار شیطانی یا آشفته و فاقد تعبیر: "الرُّؤْيَا عَلَى ثَلَاثَةِ وُجُوهِ بِشَارَةٍ مِنَ اللَّهِ لِلْمُؤْمِنِ وَ تَحْذِيرٍ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ أَضْغَاثِ أَحْلَامٍ" (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۹۰). اهمیت این اصل آنجا معلوم می‌شود که وقتی نشانه‌های صادق بودن حالت معنوی را در خصوص یک حالت یافت نشود، فردی که دارای آن حالت شده است، باید آن را به فریب شیطان نسبت دهد و از ایجاد و گسترش آن به خدا پناه برد. مثلاً منقول است که حسن بصری در ایام جنگ جمل ندائی به صورت تکرار شنید که " [از همراهی با سپاه عایشه] برگرد که قاتل و مقتول جهنمی اند!" او در آن زمان در حال پیوستن به سپاه عایشه بود، اما بخاطر شنیدن این نداء از شرکت در جنگ منصرف شد. حضرت امیر فرمودند که مفهوم آن نداء صحیح بود زیرا قاتل و مقتول در سپاه عایشه در جهنم اند. این نداء از جانب برادرت، ابلیس بود: " ذَاكَ أَحْوَكُ إِبْلِيسُ وَ صَدَقَكَ أَنَّ الْقَاتِلَ وَ الْمَقْتُولَ مِنْهُمْ فِي النَّارِ" (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۱۷۱) شایان توجه آنکه به هنگام اراده گناه، دو نداء (الهی و شیطانی) به گوش هرکس می‌رسد که عبارتند از "نکن و بکن"؛ ندای الهی در صورت بی توجهی (در دفعات بعدی) خاموش می‌شود. از ندای الهی در روایات به "روح الایمان" تعبیر شده است و مصداق آیه "أَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ" دانسته شده است (نک به احادیث باب‌های " أَنْ لِّلْقَلْبِ أذْنَيْنِ يَنْفُثُ فِيهِمَا الْمَلَكُ وَ الشَّيْطَانُ" و "الرُّوحِ الَّذِي أُيِّدَ بِهِ الْمُؤْمِنِ": کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۲۶۶-۲۶۸).

۳-۲- حالات معنوی صادق باید در چارچوب دین باشند

حالات معنوی باید در چارچوب احکام دین (شریعت) باشند؛ لذا بروز حالات

معنوی از افرادی که توجهی به احکام الهی و رعایت تقوا ندارند صادق و قابل تأیید نیست. از این رو، حالات معنوی که با دین در تعارض باشند صادق نیستند. ذکر چند نمونه خالی از فایده نیست: در زمان مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، رئیس علی اللهی‌های موصل، در حالی که بالای کوه بود برای اینکه پاسخی به نماینده آیت الله داده باشد، یک بچه را گرفت و بلند کرد و همراه با گفتن (یا علی) او را به پایین کوه پرتاب کرد. کودک، سالم پایین افتاد و مشغول بازی شد! (محمدی ری شهری، ۱۴۳۱: ۱۳۹)؛ بدون شک، امیرالمؤمنین خدا نیست لذا حالت معنوی آن شیخ که توأم با کفرگویی است، مورد تأیید نیست و نشانه قرب او به خدای تعالی نیست؛ زیرا خارج از چارچوب دین است. عطار در مدح حسین بن منصور حلاج می‌گوید: در ابتدا که ریاضت می‌کشید خرقه‌ای داشت "که بیست سال بیرون نکرده بود. روزی به ستم از وی بیرون کردند؛ گزنده بسیار در وی افتاده بود. یکی از آن وزن کردند نیم دانگ بود..." (عطار، ۱۳۹۰: ۴۲۹). تمیز کردن لباس و پرهیز از آلودگی‌ها توصیه شرع است و ممانعت آن شخص از این کار وجه درستی ندارد بنابراین، دلق آلوده علامت حالت معنوی او نیست.

درباره ابراهیم خواص نقل شده است که غذایی را دوست می‌داشت اما برای ریاضت نفس، ده سال بود که آن را نخورده بود و در آرزوی خوردن مانده بود. در نهایت پس از امری که از حضرت رسول در حال خواب احساس کرد، آن را خورد (عطار، ۱۳۹۰: ۱۰۶). ریاضت شرعی عبارت است از انجام واجبات و ترک محرمات و تلاش برای فضایل اخلاقی، مثل اخلاص و دوری از رذایل؛ مثل کبر. توصیه قرآن هم به خوردن و هم به خوراندن غذاهای حلال و دوست داشتنی است (بقره/ ۱۷۲ و آل عمران/ ۹۲)، بنابراین "نخوردن دوست داشتنی‌ها" ریاضتی شرعی نیست.

۳-۳- حالات معنوی صادق باید چارچوب حالات معنوی معصومان علیهم السلام باشد

هرگونه احساس معنوی باید در راستای حالات معنوی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام باشد که الگوی کامل انسان‌ها در همه ابعاد می‌باشند. در نتیجه، هر حالت معنوی که بیانگر سبقت فرد از اهل بیت عصمت باشد، مورد تأیید نیست. چند نمونه از این حالات در حکایات زیر آمده است: درباره او ایس قرنی آمده است: "فردا خواجه انبیاء در بهشت از حجره خود بیرون آید چنان که کسی مر کسی را طلب کند، خطاب آید: که را طلب می‌کنی؟ گوید: او ایس را. آواز آید که رنج مبر؛ که چنان که در دار دنیا وی را ندیدی، اینجا نیز نبینی. گوید: الهی! کجاست؟ فرمان رسد که (فِی مَقْعَدِ صِدْقٍ) گوید: مرا نبیند؟ فرمان رسد که کسی که ما را می‌بیند تو را چرا بیند؟! "فارغ از مشکل سندی، قبول کردن این حکایت منجر به آن می‌شود که شخصیت معنوی او ایس قرنی در قیاس با حضرت رسول، برتر باشد؛ در صورتی که این امر خلاف آیات و روایاتی است که پیامبر را اشرف انبیاء می‌شمارد؛ مانند آیه "وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا... (بقره/ ۱۴۳) همچنین، "مقعد صدق" جایگاهی نیست که از دید حضرت رسول پنهان بماند زیرا ایشان در نهایت تقرب به خدای متعال است. همچنین آنجا که می‌گوید پیامبر در بهشت مشتاق به دیدار او ایس است اما به آن، نائل نمی‌شود، مغایر با این وصف قرآنی بهشت است: "وَ فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ" (زخرف/ ۷۱). گفته شده که حبیب عجمی سوزنی که در دست داشت در تاریکی از دستش افتاد و گم شد و در آن حال (بر اثر کرامت الهی) خانه روشن شد. حبیب دست بر چشم خود نهاد و گفت: باید بدون استفاده از این نور، سوزن را پیدا کنم (عطار، ۱۳۹۰: ۵۲).

در واقع حبیب می‌خواست از این موهبت استفاده نکند و از همان راه عادی به دنبال سوزن خود بگردد به خیال آنکه درباره کرامات و مواهب اینچنینی سزاوار است که بی‌توجهی شود. این طرز فکر، برخلاف عملکرد اولیاء معصوم خداست. به عنوان نمونه، امام هادی علیه السلام روشن می‌شود: ایشان برای وضو از آب گرم استفاده نمی‌کردند؛ اما یکبار مشاهده کردند که آب وضویشان گرم شده است؛ لذا خادم خود را بازخواست نمودند؛ ولی او گفت که آب را گرم نکرده بود. آن حضرت فرمودند: حال که خدا آب را برای ما گرم کرد، از نعمت او استفاده می‌کنیم و خدا را شکر کردند و از پیامبر نقل کردند که خدا خشم می‌گیرد بر کسی که کارِ آسان کرده او را نپذیرد: "وَاللَّهِ لَا تَرَكْنَا رُخْصَةً وَلَا رَدَدْنَا مَنَحَةً، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنْ أَهْلِ طَاعَتِهِ، وَوَقَّفَنَا لِلْعَوْنِ عَلَى عِبَادَتِهِ، إِنَّ النَّبِيَّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ عَلَيَّ مَنْ لَا يَقْبَلُ رُخْصَةً" (طوسی، ۱۴۱۴: ۲۹۹).

۳-۴ - حالات معنوی صادق قابل ایجاد، تقویت و سرکوبند

تأثیر نیکی‌هایی که فرد انجام می‌دهد، بر حالات معنوی به حدی سریع است که نتایج آن به شکل ملموسی قابل درک است؛ مانند تأثیری که توبه حقیقی بر حالات معنوی گناهکاران می‌گذارد، یا تأثیر وضو بر جان شخص. قرآن می‌فرماید: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ" (انسان/ ۱۳۶) و "اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ" که بیانگر آن هستند که ایمان و هدایت قابل افزایش هستند. در اینجا به راهکارهایی ایجاد حالات معنوی صادق می‌پردازیم:

الف) اعمال صالح: در پرتو ایمان انجام دادن اعمال صالح در کنار ایمان، نورانیت می‌آورد؛ بنابراین یکی از مهمترین راهکارها برای رسیدن به حالات معنوی، مراقبت

حداکثری بر انجام واجبات و نیز تلاش برای بی بهره نبودن از مستحبات است: "رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مَبِينَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ..." (طلاق/۱۱) چنان که ایمان و عمل صالح، منشأ نجات از ظلمات و هدایت به سوی نور است که شامل نور معنوی نیز می شود.

ب) مراقبت های شخصی: مراقبت نمودن از خود در زمینه هایی مثل خوردن و آشامیدن، سخن گفتن و نیز مراقبت در زمینه توجه های قلبی، از مقدمات جدی برای دریافت حالات معنوی صادق است: "إِنَّمَا شِيعَةٌ عَلَى الشَّاحِبُونَ النَّاحِلُونَ الذَّابِلُونَ ذَابِلَةٌ شَفَاهُهُمْ مِنَ الْقِيَامِ خَمِيصَةٌ بَطُونُهُمْ مَصْفَرَةٌ أَلْوَانُهُمْ مُتَغَيِّرَةٌ وَجُوهُهُمْ إِذَا جَنَّهُمُ اللَّيْلُ اتَّخَذُوا الْأَرْضَ فَرَاشًا وَاسْتَقْبَلُوهَا بِجِبَاهِهِمْ بِأَكْيَةِ عِيُونِهِمْ كَثِيرَةٌ دُمُوعُهُمْ صَلَاتُهُمْ كَثِيرَةٌ وَدَعَاؤُهُمْ كَثِيرٌ تَلَاوَتُهُمْ كِتَابَ اللَّهِ يَفْرَحُونَ [يَفْرَحُ] النَّاسُ وَهُمْ يَحْزَنُونَ" (صدوق، ۱۳۶۲: ۱۰؛ نیز نک به طبرسی، ۱۴۱۲: ۱۵۰). خالی نگاه داشتن شکم - یعنی دست کشیدن از غذا قبل از سیر شدن و شروع نکردن به غذا در حال سیری و نیز مشغول نبودن مداوم به خوردن - از ملزومات دستیابی به حالات معنوی صادق است: "يا أحمد إن أحببت أن تجد حلاوة الإيمان فجوّع نفسك و أزم لسانك الصمت و أزم نفسك خشية و خوفا فإن فعلت ذلك فلعلك تسلم" (فيض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۲۶، ۱۵۰). تفکر قبل از هر کلام و توجه به استوار بودن کلام: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا" (احزاب/ ۷۰) و پرهیز از سخن زیاد، نابجا یا لغو (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۱۱۳ و ۲۳۵)، دوری از گناهان زبان از نشانه های حالات معنوی صادق است.

ج) ارتباط با مؤمنین: یکی از جلوه های ارتباط مؤمن با خدا، در ارتباط او با سایر مؤمنان پیدا می شود. به دیگر سخن، همراهی در کنار مؤمنان دارای آثار عجیب

منحصر به فردی است. چنان که امام صادق فرمودند: "أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ سَيِّدًا وَ سَيِّدُ الْمَجَالِسِ مَجَالِسُ الشَّيْعَةِ" (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۲۱۳) و نیز در روایات آمده است که هرکس مشکلات خود را در نزد مؤمنی بازگو کند، گویا نزد خدا بازگو کرده است و اگر همان سخنان را نزد غیر مؤمنی بگوید، گویا از خدا نزد آن شخص شکایت کرده است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۱۴۴). همچنین در روایات آمده که "المؤمن مرآة المؤمن" (ابن شعبه، ۱۴۰۴: ۱۷۳)؛ بنابراین، مواجه شدن با یک مؤمن، لحظه‌ای ناب برای ارتباط با خدا و نیز محک زدن حالات معنوی است. استفاده از مجالس مؤمنین و تأثیر هم افزایی مؤمنان که جلب کننده تأییدات و کمک‌های الهی است، در این راستا شایسته توجه است. دعا و استعاذه اگر در یک جمع مؤمنان باشد، موثرتر: "مَا اجْتَمَعَ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَصَاعِدًا إِلَّا حَضَرَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مِثْلُهُمْ فَإِنْ دَعَوْا بِخَيْرٍ أُمِنُوا وَ إِنْ اسْتَعَاذُوا مِنْ شَرٍّ دَعَا اللَّهُ لِيَصْرِفَهُ عَنْهُمْ وَ إِنْ سَأَلُوا حَاجَةً تَشَفَّعُوا إِلَى اللَّهِ وَ سَأَلُوهُ قَضَاءَهَا" (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۱۸۷) و در نتیجه حالات معنوی متعاقب آن، قوی‌تر خواهد بود.

د) تَشَبُّه، ایجاد کننده حالات معنوی صادق: به فرموده امیرالمؤمنین، هرکس خود را به گروهی شبیه کند (خود را به شباهت بزند) با روحیات آنها اشتراک پیدا می‌کند؛ تا آنجا که بعید است که مانند آنان نشود: "إِنَّ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ فَإِنَّهُ قَلٌّ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ" (شریف الرضی، بی تا: ۵۰۶). هم نوایی با دارندگان حالات صادق معنوی، از عوامل ایجاد آن حالات در افراد جدید است؛ بنابراین، تکرار مناجات‌های مأثور اهل بیت و تکرار اذکار قرآنی و حدیثی مورد تأیید، زمینه ساز حالات معنوی صادق می‌گردد. برای ایجاد حالاتی از تواضع و صبر و رضا، یک راه آن است که در زندگی خود، نقش افرادی را بازی کنیم که دارای این

نیکویی‌ها هستند و از دریچه چشم آنها به جهان بنگریم و با آن نگاه، صمیمانه زندگی و طبق آن رفتارهای خود را تنظیم کنیم تا به تدریج همان روحيات در ما نیز ایجاد شود.

۵-۳- حالات معنوی دارای مراتب اند

در فرمایش رسول خدا حالات معنوی تشبیه به نسیمی شده که در طول زندگی هر شخصی برای او می‌وزد و البته به‌خاطر کوتاهی زمانش، باید قدر آن را دانست: " **إِنَّ لِلَّهِ فِي أَيَّامٍ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَّا فَتَرَصَّدُوا لَهَا** " (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵: ج ۱، ۲۹۶). این حالات که از لطف و رحمت الهی ناشی می‌شود، برای رشد معرفتی انسان کارساز و پرمایه است که تنها کافی است انسان به آن توجه کند. ایمان انسان‌ها به نردبانی تشبیه شده است که پیامبر و اهل بیت در بالاترین درجه ایمان قرار دارند و سایر مردم، هریک در یک مرتبه از این مراحل قرار گرفته است: " **إِنَّ الْإِيمَانَ عَشْرُ دَرَجَاتٍ بَمَنْزِلَةِ السَّلْمِ يُصْعَدُ مِنْهُ مَرْقَاةٌ بَعْدَ مَرْقَاةٍ فَلَا يَقُولَنَّ صَاحِبُ الْاِثْنَيْنِ لَصَاحِبِ الْوَاحِدِ لَسْتُ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى الْعَاشِرِ فَلَا تُسْقَطُ مِنْهُ دُونَكَ فَيَسْقُطَكَ مَنْ هُوَ فَوْقَكَ وَإِذَا رَأَيْتَ مَنْ هُوَ أَسْفَلَ مِنْكَ بِدَرَجَةٍ فَارْفَعَهُ إِلَيْكَ بِرَفْقٍ وَلَا تَحْمَلَنَّ عَلَيْهِ مَا لَا يُطِيقُ فَتَكْسِرَهُ ...** " (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۴۲).

با آنکه در تشبیه بالا، انبیاء و اوصیاء در بالاترین پله از همان نردبانی تصور شده اند که سایر مردم هم در آن هستند، نباید از نظر دور داشت که مقام آن‌ها قابل مقایسه با سایر بشر نیست^۵. از امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده است که احدی از امت پیامبر با اهل بیت ایشان قابل مقایسه نیستند: " **لَا يُقَاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ ص مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ** " (شریف الرضی، بی تا: ۴۷) اما در عین حال نباید هم از نظر دور

داشت که همه مردم قبل از تولد (مشهور به عالم ذر) به ربوبیت الهی اقرار نموده اند (اعراف/ ۱۷۲) و اشتراک همه در فطرت توحیدی که از آیه شریفه " فَطَرَتَ اللَّهُ الْأَتَى فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا" (روم/ ۳۰) و روایت " كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ " (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۱۳) قابل دریافت است. همچنین، تشبیه قلب انسان به لوحی نورانی که بر اثر عوامل مخرب از شفافیت و نورانیت آن کاسته می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۲۷۱ و ۲۷۳) گویاست که حالات معنوی را در بالاترین حدش برای معصومین و در مراتب پایین‌تر برای سایر افراد قابل تصور است؛ لذا دستیابی به بالاترین حد معرفت الهی که همانا دریافت‌های رسول خداست، عقلاً محال نیست؛ هرچند عملاً افراد نادری در این راه از خود لیاقت نشان داده اند. مثلاً حضرت سلمان به این مقام بسیار نزدیک شد به گونه‌ای که به فرمایش پیامبر: " السلمان منا اهل البيت " (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰۸، ۲۸۵). این حقیقت، خاصه برای امت حضرت رسول بسیار حائز اهمیت است؛ چرا که برخی از حالات معنوی که تا قبل از ایشان، در زمان انبیاء سابق دست نیافتنی به شمار می‌رفت، به برکت وجود و مجاهدت ایشان، در دسترس قرار دارد. (حسینی طهرانی، ۱۴۳۱: ۷۵-۷۸) به تعبیر خود آن حضرت اگر کسی از زوائد کلام و آشفتگی دل اجتناب کند همانچه پیامبر می‌بیند و می‌شنود، او نیز خواهد دید و شنید (ملاصدرا، ۱۳۸۳: ج ۱، ۳۳۱) یعنی آنچه مانع است، زیاده روی در سخن و دل مشغولی‌های نارواست.

البته بخشی از حالات معنوی عمومی است و برخی، مختص افرادی ویژه است. حالات عمومی معنوی، جزء ضروریات راه بندگی خدا هستند که برای هرکس که سلوک صحیحی انجام داده باشد رخ می‌دهند. مثلاً هر کسی که در کنار توجه و ذکر خدا، مراقبت از رفتار خود دارد، در زبان قرآن، باتقوا شمرده شده است و

چنین شخصی - هر که باشد- به اثرات معنوی تقوا دست خواهد یافت. یکی از نتایج تقوا، روشن بینی (فرقان) است، به گونه‌ای که هرچه در راه تقوا کوشاتر باشند، سؤالات و ابهاماتشان کمتر است و تشخیص درست و غلط در آنها به صورت قوه‌ای درونی، تقویت می‌گردد (بقره/ ۲۸۲ و انفال/ ۲۹) در اینجا منظور از حالات معنوی عمومی حالتی مانند روشن بینی است که برای همه سالکان راه خدا روی می‌دهد. اما بخش دیگری از حالات معنوی مثل بهره مندی از کشف و شهود و کرامات، همگانی نیست و فقدان آن، نقیصه ایمانی محسوب نمی‌شود. این امور هرچند مایه اطمینان قلب هستند؛ اما نباید فقدان این حالات، نشانه نقص معنویت فرد تلقی گردد؛ به عبارت دیگر این امور فضل (افزودنی) هستند و "فضل" در معنای لغوی و استعمالات قرآنی، شامل هر نوع لطف، برتری و ویژگی می‌باشد که شخصی نسبت به شخص دیگر داشته باشد و اعم از امور دنیوی و اخروی است؛ چنان که در قرآن از کاسبی کردن به ابتغاء فضل خدا یاد شده است (نحل/ ۱۴؛ مزمل/ ۲۰، جمعه/ ۱۰؛ بقره/ ۱۹۸؛ اسراء/ ۱۲) و روشن بودن روز و آرامش شب، از فضل خداست (غافر/ ۶۱) و برطرف کردن مشکل کسانی که قادر به ازدواج نیستند از فضل خداست (نور/ ۳۳)؛ فضل و رحمت خدا مانع از تبعیت شیطان (نساء/ ۸۳)؛ بهشتی شدن، فضل کبیر است (شوری/ ۲۲) و اثر روشن بینی تقوا و تکفیر سیئات و غفران الهی از امور مرتبط با فضل عظیم خدا به شمار می‌روند (انفال/ ۲۹) از این رو، می‌توان این حالات معنوی را هم نوعی فضل به شمار آورد که لزوماً به معنای کرامت نزد خدا نیست.

۳-۶- برخی حالات معنوی دارای نمودهای بیرونی است

حالات معنوی هم مثل هر امر درونی فرد، نمودهای بیرونی - در چهره و کلام-

دارد که به کمک آنها قابل شناسایی است: "مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئًا إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَتَاتِ لِسَانِهِ وَ صَفَحَاتِ وَجْهِهِ" (شریف الرضی، بی تا: ۴۷۲). البته این نمودها گاه آشکار است و گاه جز افرادی تیزبین و نشانه شناس از آنها مطلع نمی‌شوند. قرآن کریم نمونه‌های فراوانی از این نمودها را هم که به شکل کلام یا گریه ظاهر شده اند برای ما حکایت کرده است به عنوان نمونه: "وَ إِذَا سَمِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْنَا مِنَ الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ" (مائده/ ۸۳؛ نیز نک به آل عمران/ ۱۹۱؛ توبه/ ۹۲) که بیانگر حال معنوی نجاشی (رک به مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۵، ۹۱) و در معنای کلی خود، بیانگر حال معنوی افراد جدیدالایمانی است که با حقیقت ناب الهی مواجه می‌شوند. حتی اگر عارفان راستین از بیان حالات معنوی خودشان سکوت کنند، نمودهایی از حقیقت حالات معنویشان آشکار خواهد شد. این اصل کلی در روایات به این صورت بیان شده است که هر کس امر خیری را در درونش داشته باشد و آن را پنهان نگاه دارد، خدا روزی آن را آشکار خواهد ساخت. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۲۹۳ و ۲۹۴) به طور کلی، تأثیر بیرونی حالات معنوی، نوعی معیار صادق بودن برای حالات معنوی به دست می‌دهد که میزان تأثیر حالات معنوی را در عملکرد فرد مدعی، بسنجیم. از این رو، روشن می‌شود که حالت معنوی یقین در افراد باید در عملکرد آنها قابل مشاهده باشد: "إِنَّ الْمُؤْمِنَ يُرَى يَقِينُهُ فِي عَمَلِهِ" (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۴۵).

بجز آن، حالات صادق معنوی ممکن است تأثیراتی جسمانی نیز در عالم خارج بگذارد. چنان‌که قرآن کریم می‌گوید عبادت علامتی در چهره مؤمنان می‌گذارد و آنان را از سایرین متمایز می‌کند: سِيْمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ (فتح/ ۲۹) همچنین نک به مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۸، ۳۴۳) مثل نورانیت چهره فاطمه زهراء که

عایشه می‌گفت: "به کمک نور چهره فاطمه زهراء که بر اثر عبادت ساطع می‌شد می‌توانستیم حتی سوزن نخ کنیم." (بحرانی، ۱۴۱۳: ج ۱۱، ۷۵) یا نورانیت سر مبارک امام حسین علیه السلام (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۴، ۶۰) روایت نورانی شدن دهان چهار نفر از صحابه پیامبر که شبانه در لشکر مسلمانان مشغول نماز و تلاوت قرآن بودند و بر اثر عبادتشان از دهانشان نوری ساطع شد و دشمن که در حال شبیخون زدن بود، شناسایی گردید (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۴، ۵۸). رخ دادن این اتفاقات نشانه تأثیر حالات معنوی بر حالات جسمانی و حتی امور طبیعی است؛ البته همه این امور تحت تدبیر الهی قرار دارد و در مخلصانی هم خدا را عبادت و یاد کرده اند اما چنین اموری از آنها دیده نشده است.

۳-۷- کشف صحت حالات معنوی نیاز به نشاهجویی دارد

قرآن کریم افرادی را با عنوان "متوسّم" یعنی نشانه شناس ستوده است: **إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ** (حجر/ ۷۵) نیز از فریب خوردن به نام دین باز داشته است: **"... وَ غَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ"** (آل عمران/ ۲۴) و در آیات مختلف، نشانه‌هایی برای سنجش حالات معنوی ذکر شده است؛ عنوان مثال آیه **"إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ"** (انفال/ ۲) در این آیه، ترس هنگام یاد خدا و افزایش ایمان هنگام تلاوت قرآن دو نشانه ایمان محسوب شده است. در حقیقت محکی را برای سنجش حالات بالای ایمانی به دست می‌دهد. سیره اهل بیت پیامبر نیز این چنین بوده که به مجرد شنیدن تمجیدهایی که مردم از دیانت و حالات معنوی کسی می‌کرده اند، بر حالات موجود در آن شخص صحّه نمی‌گذاشتند؛ بلکه به دنبال یافتن نشانه بودند. به عنوان

مثال وقتی از عبادت و دین و فضل شخصی نزد امام صادق تعریف کردند، ایشان پرسیدند: "کیف عقله؟" (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۲)؛ یعنی عقل لازمه معنویت صحیح است. روحیه علامت شناسی حتی در برخی اصحاب پیامبر نیز وجود داشته است. مثلاً از صحابه پیامبر نقل شده است که برای شناخت شرح صدر، از ایشان تقاضای علائم نموده اند: "يَا ابْنَ مَسْعُودٍ فَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَإِنَّ النُّورَ إِذَا وَقَعَ فِي الْقَلْبِ انشَرَحَ وَ انْفَسَحَ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَهَلْ لِدَٰلِكَ مِنْ عِلْمَةٍ فَقَالَ... " (طبرسی، ۱۴۱۲: ۴۴۷) و پیامبر نیز از جوانی که ادعای رسیدن به مقام یقین را کرده بود، درخواست علامت فرمود: "إِنَّ لِكُلِّ يَقِينٍ حَقِيقَةً فَمَا حَقِيقَةُ يَقِينِكَ" (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۵۳)؛ بنابراین نیازمند ملاکها و نشانه‌هایی هستیم که حالات صادق و مقبول را از غیر آن تمییز دهیم. در آیات قرآن و روایات معصومین نیز معیارهایی برای حالات صادق معنوی بیان شده است. برخی از این علامت‌ها عبارتند از:

شناخت معروف و زشت شمردن منکر نشانه پاکیزگی روح است: "فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بَعِيدٍ خَيْرًا طَيَّبَ رُوحَهُ فَلَا يَسْمَعُ مَعْرُوفًا إِلَّا عَرَفَهُ وَ لَا مُنْكَرًا إِلَّا أَنْكَرَهُ" (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۶۵)؛ حب حسین علیه السلام (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۴۲) و هدایت شدن به مکتب اهل بیت (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۲۰۱)، فقاقت در دین (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۲) و گرفتار کردن بنده گنهگار تا اینکه موفق به استغفار شود (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۴۵۲) نشانه‌هایی از نظر خیر خدا به بنده است؛ دوری از فریب دنیا، توجه به آخرت و آمادگی برای مرگ، نشانه‌های نورانیت قلب است: "فَإِنَّ النُّورَ إِذَا وَقَعَ فِي الْقَلْبِ انشَرَحَ وَ انْفَسَحَ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَهَلْ لِدَٰلِكَ مِنْ عِلْمَةٍ فَقَالَ نَعَمْ التَّجَافِي عَنْ دَارِ الْعُرُورِ وَ الْإِنَابَةُ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَ الْاسْتِعْدَادُ لِلْمَوْتِ قَبْلَ نُزُولِهِ"

(طبرسی، ۱۴۱۲: ۴۴۷)؛ خشوع جوارح و اعضای بدن نشانه خشوع قلب است: " من خشع قلبه خشعت جوارحه " (آمدی، ۱۴۱۰: ۶۰۰)؛ انجام اعمال صالح نشانه امید به خداست: " يَدْعِي بِزَعْمِهِ أَنَّهُ يُرْجُو اللَّهَ كَذَبَ وَالْعَظِيمِ مَا بِاللَّهِ لَأَيَّتَبِينَ رَجَاؤُهُ فِي عَمَلِهِ فَكُلُّ مَنْ رَجَا عُرِفَ رَجَاؤُهُ فِي عَمَلِهِ " (شريف الرضى، بی تا: ۲۲۵)؛ نپرداختن به غیر خدا علامت حب خداست (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۱۳۰) و عدم انس با مردم علامت انس با خداست: " مَنْ أُنْسَ بِاللَّهِ اسْتَوْحَشَ مِنَ النَّاسِ وَ عَلَامَةُ الْأُنْسِ بِاللَّهِ الْوَحْشَةُ مِنَ النَّاسِ؛ إِذَا تَخَلَّى الْمُؤْمِنُ مِنَ الدُّنْيَا سَمًا وَ وَجَدَ حَلَاوَةَ حُبِّ اللَّهِ وَ كَانَ عِنْدَ أَهْلِ الدُّنْيَا كَأَنَّهُ قَدْ خُولِطَ وَ إِنَّمَا خَالَطَ الْقَوْمَ حَلَاوَةَ حُبِّ اللَّهِ فَلَمْ يَشْتِغَلُوا بغيرِهِ " (دیلمی، ۱۴۰۸: ۳۱۳)؛ گریه از خوف خدا علامت اجابت دعاست: " الْبُكَاءُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ مِفْتَاحُ الرَّحْمَةِ وَ عَلَامَةُ الْقَبُولِ وَ بَابُ الْإِجَابَةِ " (دیلمی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۹۸)؛ خشوع قلب و جاری شدن اشک علامت اذن ائمه علیهم السلام برای ورود به حرم هاست: " وَ اجْتَهْدِي أَنْ تَسُحَّ عَيْنَاكِ وَ لَوْ بَقَدْرِ رَأْسِ الذُّبَابَةِ دُمُوعًا فَإِنَّ ذَلِكَ [مِنْ] عَلَامَةِ [عَلَامَاتِ] الْإِجَابَةِ " (ابن طاوس، ۱۴۰۹: ج ۲، ۶۶۲)

۴- نتیجه گیری

۱. معنویت و حالات معنوی، تعریف واحد و مقبولی ندارد و حتی افراد گاه از افراد بی دین هم داعیه معنویت دارند. حالات درونی انسانها هستند که به نحوی به امور معنوی مرتبط هستند و به شکل شناخت، عاطفه یا رفتار نمود می یابند. "معنویت"، بر دو نوع است: صادق و کاذب.

۲. حالات معنوی صادق از قواعدی پیروی می‌کنند که به کمک آموزه‌های دینی قابل تشخیص هستند. همچنین، آسیب‌هایی هم برای این حالات عارض می‌شود که به کمک آن آموزه‌ها بایستی بازشناسی گردند.
۳. حالات معنوی صادق در چارچوب قواعدی هستند که عبارتند از: (۱) حالات معنوی صادق، یقیناً الهی اند، به این معنا که برای دارنده آن‌ها شکی باقی نمی‌ماند که از جانب خداست. از این رو، حالات مشکوک را نمی‌توان الهی دانست. (۲) در چارچوب دین (شریعت) هستند، با این توضیح که هر حالت معنوی که از راه غیرشرعی ایجاد شده باشد یا دوام آن نیاز به عدم التزام به بخشی از شریعت داشته باشد، حالت صادق معنوی نیست، هرچند در کتاب‌های مشهور و به بزرگان تصوف و عرفان منتسب باشد؛ (۳) در چارچوب حالات معنوی معصومان علیهم السلام می‌باشند، از این رو، حالاتی که توسط دارنده اش با نوعی عجب یا کبر نابحق بیان می‌شود یا در مقایسه با حالات پیامبر و اهل بیت از حالات آن بزرگوران بالاتر به نظر می‌رسد، قطعاً دارای آسیب‌ها و اشکالاتی است که باعث از دست رفتن اعتبار حالات معنوی آن اشخاص می‌شود؛ (۴) حالات معنوی صادق قابل ایجاد، تقویت و سرکوبند، به این صورت که هر فرد در ایجاد مقدمات حالات صادق معنوی در خود می‌تواند اثرگذار باشد یا از شکل‌گیری و تداوم آن جلوگیری کند یا باعث تبدیل شدن آن به حالت معنوی کاذب گردد. برخی از موارد مؤثر در ایجاد و تقویت حالات صحیح معنوی عبارتند از: اعمال صالح در پرتو ایمان؛ مراقبت‌های شخصی مثلاً در زمینه خوراک و خواب؛ ارتباط با مؤمنین و خود را شبیه به افراد صادق نمودن؛ (۵) دارای مراتب اند، به این معنا که هر

حالت صادق معنوی به لحاظ کیفی قابل ارتقاء است و نهایت حالات معنوی صادق را پیامبر و اهل بیت دارا هستند؛ (۶) دارای نشانه و نمودهای بیرونی می‌باشند هر قدر که دارنده حالات معنوی درباره آن کتمان کند، بخشی از حقیقت آن برای دیگران آشکار می‌شود؛ (۷) کشف صحت حالات معنوی نیاز به نشانه‌جویی دارد.

۴. در متون قرآن و حدیث برای حالات معنوی خاص، نشانه‌های خاصی هم ذکر شده است که به عنوان ملاک صحت آن حالات قابل استفاده است؛ مثلاً نپرداختن به غیر خدا علامت حب خداست؛ دوری از فریب دنیا، توجه به آخرت و آمادگی برای مرگ، نشانه‌های نورانیت قلب است و خشوع قلب و جاری شدن اشک علامت اذن ائمه علیهم السلام برای ورود به حرم هاست.

پی‌نوشت‌ها

۱ - Spirituality

2 - Jay McDaniel

۳ - برای تعریف مصطلحات رک به سجادی، ۱۳۸۹: ۳۰۷ و ۳۳۶ و ۵۱۶ و ۶۵۷؛ مطهری، بی تا: ج ۲۳، ۹۱)

4 - Religious Experience

۵ - آیه ۵۵ مائده، جایگاه پیامبر و علی علیهما السلام نسبت به سایر مسلمین را به ولی نسبت به مومنان ترسیم کرده است.

منابع

قرآن کریم

- ۱- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، (۱۴۰۵ق)، *عوالی اللئالی العزیزه فی الاحادیث الدینیہ*، قم، دار سید الشهداء.
- ۲- ابن سیده، علی بن اسماعیل، (۱۴۲۱ق)، *المحکم و المحيط الاعظم*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ۳- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۹ق)، *مناقب آل ابی طالب علیهم السلام*، قم، علامه.
- ۴- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین.
- ۵- ابن طاوس، علی بن موسی، (۱۴۰۹ق)، *اقبال الاعمال*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- ۶- ابن قولویه، جعفر بن محمد، (۱۳۵۶ش)، *کامل الزیارات*، نجف، دار المرتضویه.
- ۷- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دارصادر.
- ۸- برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ش)، *المحاسن*، قم، دار الکتب الإسلامیه.
- ۹- بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، (۱۴۱۳ق)، *عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد)*، قم، مؤسسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- ۱۰- تهرانی، مجتبی، (۱۳۹۲ش)، *رسائل بندگی دروس آیت الله مجتبی تهرانی*، تهران، مصابیح الهدی.
- ۱۱- التهانوی، محمد علی، (۱۹۹۶م). *کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم*. تصحیح رفیق العجم و علی دحروج. بیروت، مکتبه لبنان.
- ۱۲- آمدی، عبدالله بن محمد تمیمی، (۱۴۱۰ق)، *نحرر الحکم و درر الکلم*، قم، دار الکتب الاسلامی.
- ۱۳- حسینی طهرانی، محمدحسین، (۱۴۳۱ق)، *رساله لب اللباب در سیر و سلوک اولی الالباب*، مشهد، علامه طباطبایی.

- ۱۴- حمیری، عبدالله بن جعفر، (۱۴۱۳ق)، *قرب الإسناد*، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- ۱۵- دیلمی، حسن بن محمد، (۱۴۰۸ق)، *اعلام الدین فی صفات المؤمنین*، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- ۱۶- _____، (۱۴۱۲ق)، *ارشاد القلوب*، قم، الشریف الرضی.
- ۱۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت دمشق، دار العلم الدار الشامیه.
- ۱۸- السجاد علیه السلام، *الصحیفه السجادیه*، (۱۳۷۶ش)، قم، دفتر نشر الهادی.
- ۱۹- سعیدی، محمدمسعود، (۱۳۹۹ش)، "سلوک معنوی در قرآن"، *آموزه های قرآنی*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۳۱، صص ۱۲۹-۱۵۱.
- ۲۰- شاکرنژاد، احمد، (۱۳۹۶)، "مفهوم معنویت در عصر پست مدرن"، *خبرگزاری بین المللی ایگنا*، ۳۰ شهریور، <https://iqna.ir/fa/news/3644762>.
- ۲۱- شریف الرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، (بی تا)، قم، دارالهجره.
- ۲۲- صاحب‌دل، فاطمه، (۱۳۹۷)، *گونه شناسی معنویت در ارتباط با سلامت معنوی*، پایان نامه کارشناسی ارشد ادیان و عرفان، دانشگاه تهران.
- ۲۳- صدوق، محمد بن علی، (۱۳۶۲ش)، *صفات الشیعه*، تهران، اعلامی.
- ۲۴- طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، مشهد، نشر مرتضی.
- ۲۵- طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۲ق)، *مکارم الاخلاق*، قم، الشریف الرضی.
- ۲۶- طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۱ق)، *مصباح المتهدد و سلاح المتعبد*، بیروت، فقه الشیعه.
- ۲۷- _____، (۱۴۱۴ق)، *الامالی*، قم، دار الثقافه.
- ۲۸- عطار نیشابوری، فریدالدین، (۱۳۹۰)، *تذکره الاولیاء*، تهران، لیدا.
- ۲۹- فیض کاشانی، محمدمحسن بن شاه مرتضی، (۱۴۰۶ق)، *الوافی*، اصفهان، کتابخانه امام امیر المومنین علی علیه السلام.

- ۳۰- فونتانا، دیوید، (۱۳۸۵)، *روان شناسی، دین و معنویت*، ترجمه الف. ساوار، قم، نشر ادیان.
- ۳۱- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *کافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- ۳۲- محمدی ری شهری، محمد، (۱۴۳۱ق)، *زمزم عرفان: یادنامه فقیه عارف حضرت آیه الله محمد تقی بهجت*، قم، دار الحدیث.
- ۳۳- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ۳۴- مصطفی، ابراهیم و دیگران، (۱۴۲۷ق). *المعجم الوسیط*، تهران، انتشارات مرتضوی، دوم.
- ۳۵- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم صدر الدین شیرازی، (۱۳۸۳ش)، *شرح اصول کافی*، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۳۶- معین، محمد، فرهنگ معین، (۱۳۸۶ش)، تهران، ادنا.
- ۳۷- نلسون، جیمز، ام، (۱۳۹۵)، *روان شناسی، دین و معنویت*، ترجمه مسعود آذربایجانی، امیر قربانی، تهران، سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۳۸- الواقدی، محمد بن عمر، (۱۴۰۹ق)، *المغازی*، بیروت، موسسه الاعلمی.

Principles of Right Spiritual States; Focusing on Quran and Hadith texts

Roohollah Rastgarsefat¹

Ghasem Faez²

Abstract

Spiritual states are the inner emotions of a person which are related to the spirituality and reveal in the form of affection or behavior. Nowadays, spirituality is not necessarily associated with religion and is also released in some heretical ways. Pseudo-spiritual states can harm the individuals or the society in case not distinguished. Hence this article uses the descriptive, analytical, and critical methods to discover the principles of right spiritual states and their diagnostic criteria and has concluded the following: 1- They are undoubtedly Divine. 2- They are within the boundaries of Sharia. 3- They are within the spiritual states of the infallible (Ahl-al-Bait) 4- They can be created, enforced or suppressed. 5- They are of different levels. 6- They have outer signs. 6- Diagnostic signs must be sought for diagnosing them.

Keywords: Spirituality, Spiritual States, Principles, Diagnostic Signs

1- PhD student of the quranic and hadith sciences at the university of Tehran.
(Corresponding Author). rastgarsefat@gmail.com

2- Full Professor of the quranic and hadith sciences at the university of Tehran.
ghfaez@ut.ac.ir